



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۲ جون ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

مغازله "وطن دوست" و "..."

مغازله با خود؟؟؟



هرچند با مدّ نظر گرفتن شرائط خونبار و اسفناک وطن عزیز ما لازم نیست، به موضوعات خُرد و ریزه و جانبی بپیچیم. من اما بر حسب تنوّع میخوام مطالب تفتنی بی را عرضه کنم؛ شاید به حیث "تبدیل هوا" مورد اجابت قرار گیرد؛ همین و نه بیشتر ازین.

با تأیید مطالب مندرج مقاله «خاله گکانی "...»، مطلب انتقادی دیگری را پیش میکشم. مگر چرا خود مدّعی آن مقاله را تأیید میکنم؟؟؟ اگر خوانندگان عزیز این مقاله خود به دریچه نظری و بسایتهای "آریانا افغانستان آنلاین" و "افغان جرمن آنلاین" مراجعه کرده و لااقل نظریات و تبصره‌های ده دوازده روز اخیر را درین دو وبسایت از نظر مبارک خود بگذرانند، یقین دارم، که "تأیید" مرا تأیید فرموده و بر آن صادّ صحیح خواهند گذاشت!!!

بعد ازین تمهید بگذریم به اصل مطلب. ضرب‌المثل بسیار مشهور عوام کابلی فرماید:

"کورام میفامه، که دلده شور اس!!!"

(کور هم میفهمد، که دلده شور است!!!)

بسا کسان میدانند، که "وطن دوست" نام مستعار است و بسا کسان میدانند، که کدام کس خود را زیر نام "وطن دوست" پُت کرده است. اگر کسی نوشته مؤرخ ۲۶ فبروری ۲۰۱۹ آقای "وطن دوست" را در سراچه نظری پورتال "افغان جرمن آنلاین"؛ یعنی AGO "آ گی او" (ا. ج. آ) خوانده باشد، دیگر هیچ شک و شبهه ای برایش باقی نمیماند، که "وطن دوست" یک نام مستعار است. خوب توجه فرمائید، که "وطن دوست"، خود چه نوشت:

«اسم: وطن دوست محل سکونت: آلمان تاریخ: ۲۶،۰۲،۲۰۱۹»

سلام و صبح بخیر به همه دوستان تقدیم میکنم!
قابل توجه آقای حنیف رهیاب رحیمی.

فقط ماده وار به اطلاع تان میرسانم،

– تصور کنید که نام اصلیم محمد عارف کابلی ست. آیا این نام در قضاوت تان در رابطه با چیزی که مینویسم، تغییری ایجاد خواهد کرد؟ یا محتوای نظریات مرا تغییر خواهد داد؟

– من نام مستعار وطندوست را به خاطری انتخاب کردم، که تصور میکردم، که همه افغانهای ملی وطن شانرا دوست دارند. پس این نام کدام برازندگی به خصوصی ندارد. در ضمن، من یگانه فرد نیستم، که درین وبسایت با نام مستعار می نویسد....»

و اگر "وطندوست" این اقرار جانانه باللسان را هم نمیکرد، فحوا و مدلول متعارف کلمه مرکب "وطندوست"، خود منطقاً "استعاره" در نام را میرساند. و من ندانستم و نمیدانم، که خوانندگان و بالخاصه نظردهندگان "آ. ج. آ." چرا اینقدر خون "اوگین" دارند و حافظه "سرشیو" و بلکه "سربه تالاق"، که اگر امروز چیزی را خواندند، فردا از یاد میبرند و به عبارت دیگر:

ازین گوششان می آید و ازان گوششان میرود!!!

چنین یک حافظه "فراموشکار" و "چلوصاف مانند" را باید سنگ فلکمان ساخت و به فرسنگ ها و به گفته اعراب "فرسخ ها"، دور انداخت!!!

در مقاله «خاله گکانی» در وبسایتهای با مراعات "آداب متعارف بیان"، مطالبی را پیش کشیده و انگشت انتقاد را به طرف "افغان جرمن آنلاین" و "آریانا افغانستان آنلاین" دراز کردم. عکس العمل ها را در هردو وبسایت دیدیم و خواندیم. وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین" هیچ عکس العمل زشت و منفی یی نشان نداد و گویا انتقاد را با جبین باز پذیرفت، چنان، که دو عزیز ورزیده در دریچه نظریگری پیام خود را ثبت کردند:

– یکی نویسنده آگاه و پُرخبرت، "جناب نعیم بارز"، که با الفاظ نکو از نوشته ام استقبال کردند

– و دیگر نویسنده ارجمند، جناب "عارف عباسی"، که نیز توضیحاتی ارائه فرمودند.

لازم بود تا از هردو عزیز واجب الاکرام در خود دریچه نظرخواهی "آریانا افغانستان آنلاین" قدردانی میکردم و مراتب امتنانم را خدمت ایشان میرساندم. من ولی در نوشتن تبصره و کامنت در محفظه نظرخواهی، گُند هستم و شاید هم نمیخواهم خود را زیر دُره و شلاق و قمچین انتقاد "خاله گکانی" بیندازم؛ چنان، که اگر زمین را به زمان بکوبند، از قلم من درین دریچه کوچکترین اثری را یافته نخواهند توانست.

اما در وبسایت "افغان جرمن آنلاین" چه کردند:

مالک "افغان جرمن آنلاین"، آقای "قیس کبیر"، خود را در لباس "میر غضب" پیچ داده، برآشفت و کتره و کنایه و به اصطلاح زنان ارجمند کابلی "کتره و کیانه" ای چند را با چاشنی یی از "تفتین" بهم آمیخت و به میدان انداخت. ولو جناب "لالپوروال صاحب" در همان پورتال "آ. ج. آ." از سر انصاف و حقیبیتی، سؤالی را متوجه نوشته وی ساخت. او مگر به بهانه "نسیه فردا"، یکسره طفره رفت و "نرواری" و "شیرواری" تیر خود را آورد و گویا خواننده را پشت نخود سیاه راهی کرد.

"ارباب" از سر غیظ و غضب و برافروختگی و دستپاچگی نوشت:

«.... دوم اینکه مثل مشهور داریم «کور خود و بینای مردم» اگر به یاد تان باشد که شما بعد از انشعاب با وبسایت

«افغان جرمن آنلاین» چطور آقای موسوی را به آسمان بردید و در آخر چطور شما را به زمین زد...

تذکر: توضیحات اصطلاح «خاله گکانی» تانرا شامل «قاموس کبیر افغانستان» کردم، البته با ذکر نام تان»

و من جداً و قاطعانه در جواب میگویم:

اگر ادعای "ارباب" مبنی بر "به زمین زدن معروفی" صادق میبود، نام "خلیل الله معروفی" از طاق جبین پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" حذف میشد و ناپدید میگشت،

که نشد و نگشت و نخواهد شد و نخواهد گشت!!!

چه خوش فرمود حضرت شمس الدین حافظ شیرازی:

معشوق چون نقاب ز رخ بر نمیکشد

هرکس حکایتی به تصور چرا کند؟؟؟

ارباب فهم؛ و فرزندگان و معقولان و دوراندیشان، خود را هرگز دچار و گرفتار و گروگان و هم و گمان و به اصطلاح شیک و فیشنی، "ذهنیگری"، نمیکند. فیرهای هوایی و تحریکات غرض آلود، جائی را نمیگیرد؛ مطمئن باشند!!!

ارباب AGO قسمتی از نوشته مرا نقل کرد، و چه نقلی:

- نقل غلط

- برداشت غلط

- و منطقاً استنتاج هم غلط

نوشته ارباب "آ گی او" بر سه "غلط" استوار است و کسی، که بر چنین یک "شلغم شورو" تمکین کند، حیثیت خود را به زمین میزند!!!

مالک "آ گی او" در آخر نوشته خود چنین آورد:

"تذکر: توضیحات اصطلاح «خاله گکانی» تا آنرا شامل «قاموس کبیر افغانستان» کردم، البته با ذکر نام تان»

و من میگویم:

امید است، که نقل قول از مقالاتم در "قاموس کبیر افغان جرمن آنلاین" - و در هر جای دیگر نیز - فارغ از اغلاط و مغالطات گوناگون صورت بگیرد!!!

و اگر باز به خدمت آقای "دوستداشتنی" "وطن دوست" برویم:

اگر کسی تبصره ها و کامنتهای "وطن دوست" و "... را در سراچه نظرخواهی "افغان جرمن آنلاین" با چشم و دیده باز تعقیب کرده باشد، حتماً متوجه شده است، که چه راز و نیازهایی نیست، که بین این "دوگانه یگانه"؛ یعنی بین "وطن دوست" و "... رد و بدل نمیشود!!! و اگر از انصاف نگذیریم، حدیث شیرین و ممثلی "خاله گکانی" در مورد این "یگانه دوگانه" واقعاً و از سر صدق، صدق میکند!!! در مورد خود مقولات "مستعار" و "مستعارنویسی" و شأن ظهور و حکمت آنها حتماً روزی نظر و برداشتم را پیش روی خوانندگان گرامی خواهم گذاشت؛ صرف نظر ازین، که دیگران درین باره چه می اندیشند.

حسن ختام این نوشته را با شرح لغت "مغازله" می آرایم:

"مغازله" از نگاه صرف عربی مصدر باب "مُفاعَلة" است، که از ریشه ثلاثی (سه حرفی) "غَزَل" مشتق شده است. "غزل" (به فتحه دو حرف اول) در لغت به معنای "عشق ورزیدن" است و چون مصدر "مفاعله" در کُنه و ذات خود "مشارکت در فعل" را بین چند "فاعل" نشان میدهد، میتوانیم به سادگی معنای دقیق "مغازله" را فارمولبندی کنیم، که عبارت است از:

- "باهم عشق ورزیدن"

- "با یکدیگر نرد عشق باختن"

- "باهم عشقبازی کردن"

بدین حساب "مغازله" مُعادل "مُعاشقه" است، که به معنای "عشق ورزیدن با کسی" و "با کسی عشق ورزیدن" است. پس برای عنوان کوچک این مقاله میتوان تعریف ذیل را به شکل معادله ریاضی تقدیم کرد:

مغازله با خود = با خود عشق ورزیدن

مغازله با خود = با خود عشقبازی کردن

مغازله با خود = با خود نرد عشق باختن

و خدا گردنم را نگیرد

(همبورگ - ۱۴ جون ۲۰۱۹)



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

مغازله "وطن دوست" و "..."

Maroofi_k_moghaazala_ye_watandost_baa_khod.pdf